

اخلاق فردی

تعریف اخلاق

مقدمه

«فقه، مقدمه تهذیب و تهذیب مقدمه توحید است.» این سخن بلند از عارف بزرگ شیعی، مرحوم محمد بهاری (ره) است که بر بالای مقبره او در بهار همدان نوشته شده است. این گفتار، جایگاه تهذیب را که همان اخلاق است نسبت به فقه و توحید نشان می دهد. قوای اصلی وجود انسان عبارتند از: **شهوت، غضب و عقل** که علم اخلاق کیفیت مهار این قوای طالب بی نهایت و هدایت آنها در طریق توحید را به ما می آموزد.

اما قبل از ورود به علم اخلاق باید دانست که شخصیت جاودان انسان با کمک اخلاق شکل می گیرد و عقاید، در این عرصه جهت این سازندگی را مشخص می کنند و اعمال، تجلیگاه اخلاق می باشند. پس از آشنایی با جایگاه اخلاق در مقایسه با اعمال و عقاید، بهتر می توان به شناخت فضائل اخلاقی و اتصاف به آنها و نیز شناخت رذائل و رهایی از آنها اقدام کرد. آنچه دانشجویان از مطالعه این بخش حاصل خواهند کرد عبارت است از: تقسیم مباحث اخلاق به نظری و عملی، فردی و اجتماعی و مقدم بودن پیراستگی از رذائل (تخلیه) بر آراستگی به فضائل (تحلیه).

محتوای آموزشی

تعریف اخلاق

اخلاق عبارت است از حالت و کیفیتی در نفس و روان انسان که سبب می شود کارها (چه خوب و چه بد) بدون فکر و تأمل و به آسانی از انسان سر بزنند. یعنی آنچه به صورت عملی و فعلی از انسان آشکار می شود، ریشه در درون و شخصیت باطنی اشخاص دارد.

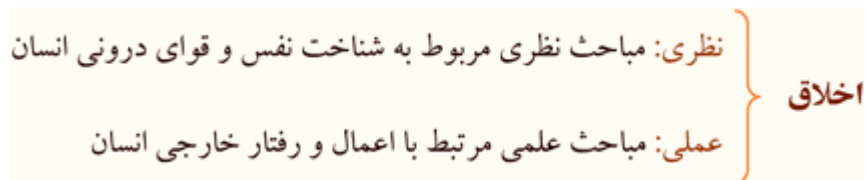
آن حالت درونی و سرشت اخلاقی، قابل تغییر و تحول است و عوامل مختلف درونی و بیرونی و وراثتی و اجتماعی می تواند در آن مؤثر باشد. خود انسان نیز در نوع تربیت و ساختن خویش سهمی دارد و همانگونه که در کیفیت بدن و جسم و رشد یا

ضعف آن، لاغری یا چاقی، بیماری یا سلامتی می تواند اثرگذار باشد، در اخلاق خود هم (که یک کیفیت باطنی است و اثر آن در رفتار بیرونی آشکار می شود) می تواند مؤثر باشد.

شناخت زمینه های بروز و ظهور هر یک از خصلت های مثبت و منفی و رابطه ای که آن ها با یکدیگر دارند، و روش های مربوط به تقویت خلق و خوی نیک یا زدودن خصلت های ناپسند، در مجموع دانشی را پدید آورده است که به آن «علم اخلاق» گویند.

محور و موضوع علم اخلاق، انسان و رفتارها و حالات اوست و از آنجا که این خصلتها که منتهی به عمل می شود، در سعادت و شقاوت انسان مؤثر است و ارزش هرکس بسته به کمالات اخلاقی اوست، از این رو علم اخلاق و تهذیب نفس، از مفیدترین و لازم ترین علوم به شمار می رود.

در علم اخلاق، یک سلسله مباحث نظری وجود دارد که عمدتاً به شناخت نفس انسان و قوای درونی او (قوه عقلیه یا واهمه، قوه شهویه، قوه غضبیه) و زیر مجموعه های هر یک از این قوا و امکان تغییر اخلاق و شناخت رذائل و فضائل مربوط می شود. یک سلسله هم مباحث عملی است که به رفتار بیرونی و عمل خارجی انسان در ارتباط با دیگران ارتباط می یابد. از این رو در تقسیم بندی مباحث اخلاقی به « اخلاق نظری» و « اخلاق عملی» برمی خوریم.



شناخت فضایل اخلاقی و رذایل اخلاقی نیز، گاهی در قلمرو حالات و رفتار شخصی انسان است، گاهی در محدوده ارتباط با دیگران. از این رو تقسیم بندی دیگری وجود دارد به نام «اخلاق فردی» و «اخلاق اجتماعی». آنچه در این جزوه مورد بحث قرار می گیرد «اخلاق فردی» است؛ در دو قلمرو فضایل و رذایل.

از آنجا که خودسازی اخلاقی جز با شناخت آسیب ها و آفت ها از یک سو و معرفت خوبی ها و ارزش ها از سوی دیگر، و زدودن آفت ها و آراستگی به ارزشها به دست نمی آید، برای سالکان راه کمال و علاقه مندان به تهذیب نفس، گام اول شناخت این رذیلت ها و فضیلت هاست.

نفس و جان آدمی را در آغاز خالی از صفات و خصلت های نیک و بد دانسته اند. همچون صفحه سفیدی است که قابلیت نقش پذیری دارد. عوامل مختلفی هم در نقش دادن به شخصیت اخلاقی انسان مؤثر است. از عامل وراثت گرفته تا تربیت خانوادگی، شرایط محیطی، فرهنگ جامعه، رسانه ها و مطبوعات، تعلیم و تربیت و مدارس، معلم و مربی. استعداد آدمی برای نقش پذیری صفات و خصلت های نیک و بد، از یک سو وضع انسان را خطیر و حساس می سازد، از سوی دیگر این بستر مناسب و زمینه مساعد، برای خود انسان یا مربیان و فرهنگ سازان و والدین، شرایطی را به وجود می آورد که بتوانند به تهذیب نفس و تربیت مطلوب پردازند و از مزرعه جان ها آفت زدایی کنند و در بوستان وجود، بذر کمال و خوبی بیفشانند و با برنامه و تدبیر، «تغییر مطلوب» را در رفتارهای فردی و اجتماعی ایجاد کنند.

بیش از همه خود انسان مسؤول به کمال رساندن خویش و تزکیه اخلاق است. نفس انسان نیز امانتی در اختیار اوست و از قدرت انتخاب و اختیار هم برخوردار است و رستگاری و شقاوت او نیز بسته به نوع گزینش و عمل اوست. به تعبیر قرآن کریم: «قَدْ افْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» [۱]. «هرکس نفس خود را رشد داد، به فلاح و رستگاری رسید و هرکس آن را تباہ کرد و پوشانند، زیانکار و محروم گشت».

رهنمودهای خداوند در آیات قرآن کریم، یکی از سرچشمه های شناخت فضایل و رذایل اخلاقی است. سخنان آموزنده و حکیمانه انبیای الهی، پیامبر اعظم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) و روایات نورانی معصومین، منبع دیگری برای کسب آگاهی ها و هدایت هاست. اگر عالمان و عارفان و حکیمان هم رهنمودها و موعظه ها و حکمت های سودمند گفته اند و روش های هدایتی خاصی داشته اند، از همین دو سرچشمه زلال (قرآن و عترت) سیراب شده اند.

مطالعه شرح حال بزرگان و خودساختگان و مہذبین و عارفان کامل، سرچشمه دیگری برای رهیافت به قلمرو کمالات اخلاقی است، چرا که آنان تجسم آن ارزش ها و فضیلت هایند و هدایت های انبیاپی و وحی و عترت را در وجود خویش به عینیت رسانده اند. از این رو سرمشق برای پویندگان این راهند.

بنابراین، اگر کسی درصدد پیمودن این راه باشد، باید ره توشه خود را از قرآن، حدیث، سیره معصومین، زندگینامه بزرگان اخلاق و حکمت های فرزندان برگیرد و بیش از «آموختن» به «عمل کردن» پردازد.

پس از این مقدمه، اینک می پردازیم به معرفی و توضیح فضایل و رذایل اخلاقی و تعریف هر یک و ریشه یابی آنها و راه زدودن رذیلت ها و افزودن فضیلت ها.

از آنجا که پیراستن مقدمه آراستن است، و «تخلیه» قبل از «تحلیه» انجام می‌گیرد و زمین دل را باید ابتدا از علف هرزه‌ها و خس و خاشاک و سنگ و کلوخ پاک کرد، سپس در آن بذرافشانی کرد، از این رو ابتدا از «رذائل» بحث می‌کنیم، سپس به فضایل می‌پردازیم. **دیو چو بیرون رود فرشته درآید.**

← **تحلیه:** آراسته شدن به فضایل

← **تخلیه:** پیراسته شدن از رذایل

[۱] شمس، آیه ۱۰،۹

چکیده

- « علم اخلاق » شناخت زمینه‌های بروز خصلتهای مثبت و منفی و رابطه آنها، روشهای تقویت خُلق و خوی نیک و زدودن خصلتهای ناپسند می‌باشد.
- موضوع علم اخلاق، انسان و رفتارها و حالات اوست.
- ارزش هر کس به کمالات اخلاقی اوست.
- مباحث نظری علم اخلاق عمدتاً ناظر به شناخت نفس انسان و قوای درونی او، و مباحث عملی آن ناظر به عمل بیرونی انسان است.
- شناخت فضائل و رذائل اخلاقی در قلمرو حالات و رفتار شخصی، «اخلاق فردی» و در محدوده ارتباط با دیگران، «اخلاق اجتماعی» نامیده می‌شود.
- منابع علم اخلاق عبارت است: قرآن، حدیث، سیره معصومین، زندگی نامه بزرگان اخلاق، حکمتهای فرزندانگان.

شهوت

مقدمه

قوه شهوت، قوه اصلی وجود انسان برای سیر الی الله است و او با معاونت دو قوه دیگر، یعنی غضب و عقل، این راه را طی می کند؛ البته مشروط به اینکه انسان با مهار این قوه، همواره آن را در این جهت به کارگیرد.

بدون شناخت این قوه، انسان از درک عامل اصلی در سازندگی اخلاق خود محروم می ماند؛ زیرا منشأ تمام فضائل، به کارگیری درست این قوه و منشأ همه رذائل، به کارگیری نادرست و عدم مهار آن است.

شهوت، غضب و عقل قوای وجودی انسان هستند که می توان گفت در میان آنها شهوت، اصل بوده و دو قوه دیگر در خدمت آنند.

در این واحد آموزشی به جایگاه این قوه در ساحت قوای وجودی انسان پی خواهیم برد و می فهمیم که با تعدیل این قوه است که می توان به بالاترین کمالات اخلاقی دست یافت، نه تعطیل آن. در این محتوای آموزشی از این عناوین بحث می شود: غلبه شهوت بر عقل، کاربرد شهوت در رذائل، نیل به کمال اخلاقی با مهار شهوت، شهوت به عنوان قوی ترین تمایلات انسانی و راه بهره گیری درست از شهوت.

محتوای آموزشی

شهوت

یکی از خصلت های ناپسند در انسان، غلبه شهوت بر عقل در وجود اوست. کنترل و مهار آن، **عفاف** می آورد.

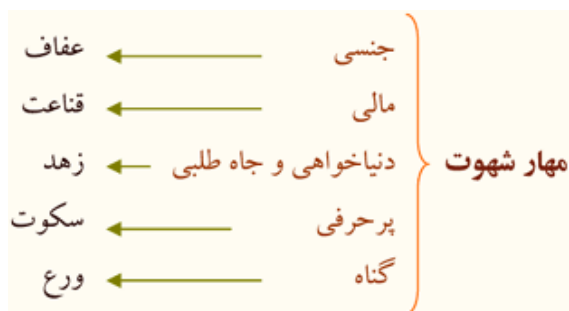
مفهوم شهوت

شهوت به معنای خواستن و تمایلات و کششهای درونی انسان است و در تقسیم بندی مباحث اخلاقی، تعدادی از خصلت ها زیر مجموعه «قوة شهویه» قرار می گیرد که برخی از آنها مفید و سازنده و عامل تلاش و تحرک در زندگی است، و بعضی از آنها ناپسند و شیطانی است و انسان را به گناه و مفسد می کشاند و از آنها نهی شده است.

برخی از فضایل اخلاقی هم در سایه مهار شهوت و کنترل تمنیات و استفاده از آن در مسیر حلال و خداپسند پدید می آید، مثل «عفاف» که کنترل شهوت جنسی است، یا «قناعت» که کنترل شهوت مال است و «زهد» که مهار زدن بر تمنیات دنیا خواهانه و جاه طلبانه است و «صمت» و «سکوت» که جلوگیری نفس از میل به پر حرفی است و «ورع» که نتیجه مبارزه با میل انسان به گناه و معاصی است. امام باقر(ع) فرمود:

« ما من عباده افضل من عفة بطن و فرج » [۱] هیچ عبادتی برتر از عفت ورزی نسبت به شکم و شهوت نیست.

اما بیشترین کاربرد «شهوت» در ردایلی است و خصوصاً نسبت به امور جنسی و ارضای تمایلات شهوانی از راه حرام.



شهوت و هوای نفس

شهوت، جزو خواسته های نفسانی است و شهوت رانی به آن گفته می شود که انسان به خواسته های نفس در این موضوع جواب مثبت بدهد و هیچ مقابله ای با تمایلات گناه از این رهگذر نداشته باشد و در پیروی از آن به حد «هوی پرستی» برسد. [۲] آنچه با عنوان «هوای نفس» در آیات و روایات و منابع اخلاقی آمده است، در بخشی از قسمت ها بر همین تمایلات منطبق می شود و قرآن کریم پاداش کسی را که نفس خود را از «هوی» باز می دارد، بهشت دانسته است. [۳]

همچنان که اشاره شد، هر نوع خواسته های نفسانی در مقوله شهوت می گنجد و تبعیت از هوای نفس و خواسته های دل در زمینه های مختلف، هلاکت بار است. «شهوت شکم» نیز شاخه ای از شهوات است و شهوت به مال و جاه و ریاست هم شاخه هایی دیگرند که انسان را به اسارت می کشند.

وقتی هوای نفس انسان را در پی خوراکیها و لذت های طعام و شراب بکشاند، جهاد با آن با قناعت و پارسایی و روزه و گرسنگی کشیدن است، تا راه و ره شیطان به قلمرو وجود انسان بسته شود. بسیاری از جدال ها و نزاع ها بر سر دنیا به همین موضوع بر می گردد که در روایات هم از آن به «تکالب بر دنیا» تعبیر شده است. کسی که خود ساخته باشد و از شکمبارگی پرهیزد و اندرون را از طعام تهی بدارد، نور خدا را در آن می بیند.

در روایات، از شکم پر و پرخوری نکوهش شده و دل مردگی و تعطیل شدن قوه فکر و دریافت ذهن از عوارض آن به شمار آمده است. در مقابل، فواید گرسنگی از قبیل: صفای دل، شکوفایی بینش، رقت قلب، فروتنی، یاد خدا، یاد محرومان و فقرا، فروشکستن سرمستی و طغیان غرائز، کاستن از خواب و توفیق برای سحر خیزی، آمادگی بهتر برای عبادت، تندرستی و سلامتی جسم، سبکباری در روایات متعددی مطرح شده است و چون نفس آدمی تمایل به پرخوری و شکمبارگی و عیش و نوش دارد، برای جلوگیری از طغیان نفس، توصیه به گرسنگی و کم خوردن و روزه داری شده است.

اوج کمال اخلاقی انسان، مهار خواسته های نفس است، چه در زمینه خوردنیها، چه در مورد مال و ثروت، چه در عرصه غرایز جنسی، یعنی «امیر نفس» بودن بهتر از «اسیر دل» شدن است و کسی که برده قوه شهوت باشد، بردگی های دیگر هم برایش پیش می آید و عواقب سوء دنیوی و اخروی هم دارد.

در حدیث پیامبر (ص) است:

طوبی لِمَنْ تَرَكَ شَهْوَةً حَاضِرَةً لِمَوْعِدٍ لَمْ يَرَهُ. [۴] «خوشا به حال آنکه شهوت حاضری را برای موعدی که هنوز آن را ندیده است ترک کند.

امیرالمؤمنین هم فرموده است:

«كَمْ مِنْ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ أَوْرَثَتْ حُزْنَ طَوِيلًا». [۵] «چه بسا شهوت یک ساعت که اندوه طولانی را در پی داشته باشد».

حدیث پیامبر در فضیلت ترک شهوت به خاطر رسیدن به پادشاهی اخروی خداوند است و در حدیث دوم، نکوهش از شهوت رانی و هشدار به عواقب ندامت بار آن است.

همه آنچه درباره «جهاد با نفس» و فضیلت و آثار و اهمیت آن روایت شده است، در این مورد هم مصداق پیدا می کند، چرا که شهوت از قوی ترین تمایلات انسان است که لغزشگاههای فراوانی سر راه انسان پدید می آورد و بسیاری از افراد، زمین خورده همین رذیله بوده اند، چرا که جلوه و کشش فوق العاده دارد و مهار آن نیروی تقوایی بالایی می طلبد. در قران کریم نیز به این جاذبه قوی چنین اشاره شده است:

«رَّيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ ...». [۶] «علاقه به مشتهیات نفسانی در مورد زنان و فرزندان و ... برای مردم

آراسته شده است.

تعدیل نه تعطیل

تمایلات قوه جنسی و شهوت، برای ادامه حیات و توالد و تناسل لازم است و از حکمت‌های الهی در خلقت بشر قرار دادن آن در وجود اوست، لیکن باید از افراط در اعمال آن یا به کار بردن آن در مسیرهای خلاف عقل و شرع و قانون و مواردی که آفات و زیان‌های جسمی و روحی و فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی دارد، پرهیز کرد.

بر این اساس می‌توان گفت: راه درست و شیوه عادلانه و متعادل در برخورد با این نیرو و غریزه، «تعدیل» آن است نه «تعطیل» و کنار گذاشتن کلی و ترک زن و زندگی، آن گونه که در شیوه‌های رهبانیت وجود داشته است. توصیه دین به ازدواج، سوق دادن افراد به روش صحیح به کارگیری این غریزه است، تا جامعه دچار آفات و جرائم و مفاسدی همچون، روابط نامشروع، زنا و لواط، چشم‌چرانی، استمناء، همجنس‌بازی و گسترش بی بند و باری‌های جنسی نگردد.

افراط در شهوت، قوای عقلی را از کار می‌اندازد و انسان را از پیمودن راه آخرت باز می‌دارد و او را به حالت و ویژگی حیوانات نزدیک می‌سازد، و تفریط در این مسئله، مهمل نهادن قوه و غریزه خدادادی است که برای تداوم نسل انسان در او نهاده شده است.

اگر «نگاه» زمینه ساز فرو غلتیدن در دام و دامن «شهوت حرام» است باید آن را هم کنترل کرد. به همین خاطر، قرآن کریم از نگاه زن و مرد نامحرم به یکدیگر نهی کرده است: «**قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ**». [۷]

هر نوع رابطه دیگر این دو جنس مخالف نیز که خارج از مدار و محور شرع و قانون باشد و به قصد گناه و لذت جنسی از هم باشد حرام است. اینها برای جلوگیری از تبدیل شدن انسان به موجودی خوک صفت است که تمام هدفش شهوت رانی و تن دادن به خواسته‌های شهوانی نفس اماره است.

[۱] کافی، ج ۲، ص ۸۰

[۲] ص، آیه ۲۶.

[۳] نازعات، آیه ۴۰، و اما من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی فان الجنّه هی المأوی.

[۴] وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۶۴، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۲۷.

[۵] همان، به نقل از نهج البلاغه.

[۶] آل عمران، آیه ۱۴.

[۷] نور، آیه ۳۰.

چکیده

- غلبه شهوت بر عقل یکی از خصلتهای ناپسند در وجود انسان است که مهار آن عفاف را حاصل می آورد.
- انسانها «شهوت» را بیشتر در ردائل ، خصوصاً ارضای تمایلات جنسی و شهوانی از راه حرام به کار می برند.
- اوج کمال اخلاقی انسان، مهار خواسته های نامشروع نفس در زمینه های مختلف است.
- شهوت از قوی ترین تمایلات انسان است که لغزشگاه های فراوانی سر راه او پدید می آورد.
- راه درست در برخورد با قوه شهوت «تعديل» آن است، نه «تعطیل» آن.